

شاعران طنز «در حلقه رندان» در گفت‌وگو با روزنامه صبا

سرگذشت بیست‌سال شعر طنز ایران

سمیه خاتونی
گزارش

شب‌های شعر طنز «در حلقه رندان» به ابتکار و همت زنده یاد ابوالفضل زرویی نصرآباد، نخستین مدیر دفتر طنز حوزه هنری در مردادماه ۱۳۸۰ آغاز به کار کرد. از آن تاریخ تاکنون، این سلسله جلسات یکشنبه هر ماه شمسی، موعد گرد هم جمع شدن شاعران طنز پرداز و علاقه‌مندان طنز و طنازی بوده و تاکنون ۱۹۰ جلسه از این برنامه برگزار شده است. این جلسات با اجرای هدایت شاعر طنز پرداز معاصر سعید بیابانکی در حوزه هنری سالن سوره برگزار می‌شود. روزنامه صبا با مجری برنامه و دو تن از شاعران میهمان این برنامه، درباره شعر طنز در ایران و رویکردهای آن گفت‌وگویی داشته که در ادامه می‌خوانید.

سعید بیابانکی (شاعر معاصر):

بخاطر یک شوخی، ۵ سال ممنوع‌التصویر بودم

نباشد و به هر دلیلی از مرکز توجه حذف شود، شعر مصداقی نیز بی‌اثر خواهد شد.

در شعر طنز یک رویکرد پنهان وجود دارد که از آن به عنوان سوپاپ اطمینان نیز یاد می‌کنند، به این معنی که شعر طنز با شوخی با برخی از مفاهیم نهی شده، قبح آنها را می‌ریزد و عادی‌سازی می‌کند، این عادی شدن سبب می‌شود که مفهوم نهی شده، تکرار و رواج پیدا کند... با این حال شعر طنز چطور می‌تواند از این مسیر هم به سلامت عبور کند و از یک عمل قبیح، با شوخی عادی‌سازی نکند؟

پاسخ این پرسش شما هم باز به همان رویکرد طنز و فکاهه در شعر طنز برمی‌گردد، طنز اعلا ترین شکل سخنوری است یعنی اگر شاعری در طنز پردازی فوق تخصص داشته باشد متن او دارای ارزش ادبی و زبانی باشد، شعر طنز او شعری است که با خواندن مجدد و با هر بار رجوع دوباره، یک افق تازه و جدیدی را پیش روی مخاطب می‌گذارد و آن را خسته‌کننده طوری که هر بار از خواندن آن لذت و حظ ببرید. مثل کارکردی که فیلم «مارمولک» در سینما دارد، فیلمی که من با پنجاه بار دیدن هم از آن خسته نمی‌شوم. به این دلیل که با هر بار دیدن نکته‌ای بکر در آن پیدا می‌کنم. بالعکس اکثر فیلم‌های سینمایی که در این چند سال اخیر اکران شده‌اند و فکاهه هستند یعنی با یکبار دیدن تاریخ مصرفشان تمام می‌شود. اصطلاحاً می‌گویند: معما چو حل گشت آسان شود! بنابراین معمای درونی شعر طنز هم نباید به آسانی حل شود تا بتواند از این مسیر زمان و عادی ساختن مفاهیم فراتر رود.

در سری جلسات برنامه حلقه رندان، شاعران میهمان را از کدام دسته برمی‌گزینید، یعنی شاعران فکاهه پرداز و یا طنز نویس؟

شاعران میهمان جلسات حلقه رندان، تقریباً از هر دو رویکرد هستند. چون مردم هم فکاهه دوست دارند و هم از شعر طنز استقبال می‌کنند. پرداخت به هر دو رویکرد سبب می‌شود کسانی که در این زمینه تازه کار و آماتور هستند، نیز در جرگه شاعران بزرگ قلم بزنند و در ادامه خودشان تبدیل به شاعران بزرگ شوند. این برنامه ۲۰ سال است که کارش را با همین رویکرد ادامه داده و تعداد زیادی از شاعران طنز پرداز را کشف کرده و به ادبیات معاصر ایران معرفی کرده است. اگر این میدان به شاعران تازه‌کار داده نمی‌شد، احتمالاً ظرفیت‌ها شناخته نمی‌شد.

نکته قابل تأمل دیگر، استقبال مخاطب است، کمتر محفل شعری با این اندازه از استقبال مواجه می‌شود با این وصف، آیا مخاطب امروز، شعر طنز را به شعر جدی ترجیح می‌دهد؟ زمانی که در تالار اندیشه اجرا داشتیم، دو قسمت لژ و سالن اصلی پر می‌شد، یعنی چیزی حدود هزار صندلی پر می‌شد. درباره استقبال مخاطب در مقایسه با شعر جدی باید بگویم که شعر جدی به اندازه شعر طنز مخاطب گسترده ندارد. مگر اینکه جلسه اشعار آئینی و مذهبی باشد که مخاطبان خاص به خود را دارد.

چند صباح است که اجرا و هدایت جلسات حلقه رندان را بر عهده دارید؟ حلقه رندان، تقریباً حدود بیست سال قدمت دارد. در طول این دوره‌ها عیزانی چون: شهرام شکیا، امیر حسین مدرس و داریوش کاردان و... اجرا و هدایت این جلسات را بر عهده داشتند. در یک دوره به مدت سه سال در خدمت این جلسات بودم اما تغییرات مدیریتی پیش آمد و پس از آن دیگر عهده دار اجرای جلسات نبودم، اما بعد از وقفه‌ای ۷ ساله، در دوره جدید که از یکسال پیش شروع شد، مجدداً حضور دارم و حدود یکسال است که اجرای جلسات حلقه رندان را بر عهده گرفته‌ام.



رویکرد مخاطب شعر امروز، به مثابه استقبال و جدی گرفتن شعر طنز چگونه است؟

شعر طنز دو شکل مختلف دارد: با طنزی واقعی است و با فکاهه فکاهه همان شوخی‌های دم‌دستی است که هدفش تنها خنده است که با رویکرد سیاسی و... در فضای مجازی هم وایرال می‌شوند، این نوع از اشعار بعد از مدتی تاریخ مصرفشان تمام می‌شود و کارکرد دیگری ندارند. اما طنز واقعی تاریخ مصرف ندارد و مخاطب را در طول زمان حفظ می‌کند. مثل رویکرد طنزی که در اشعار حافظ، مولوی، سعدی، عبید زاکانی و... است و همواره مخاطب خود را دارند. با این حال فکاهه هم مخاطب خود را دارد که معمولاً مخاطب عام است. در صورتی که طنز مخاطب خاص و همیشگی خود را دارد.

طنز سیاسی که حاوی مفاهیم تند به حاکمیت و مقامات است، بیشتر در کدام دسته قابل بررسی و اجراست، فکاهی و یا طنز؟

طنز سیاسی، در تمام دنیا به طور کل شاخه‌ای مجزا است. یعنی در همه جای دنیا، معمولاً با سیاستمداران شوخی می‌شود، چه به شکل تصویری یعنی کاریکاتور و چه به شکل متنی به صورت شعر و... که در ایران هم این رویکرد وجود دارد. حتی گاهی این رویکرد سبب شده که صاحب اثر کارش به دادگاه کشیده شده، یعنی سیاستمدار مورد نقد اینقدر ظرفیت شوخی نداشته که اقدام به شکایت کرده است، پس همچنان این بی‌ظرفیتی محسوس است. مثلاً من خودم برای یک شوخی با یک سیاستمدار، به مدت ۵ سال ممنوع‌التصویر بودم. نکته قابل طرح این است که اگر طنز سیاسی به مصداق پیر دزد ماندگار نخواهد شد اما اگر به مفاهیم پیر دزد، ماندگار خواهد شد. شعر مصداقی با مصداقش از دست می‌رود، مثل مقامی که دیگر آن سمت را ندارد، اما مفهوم همیشگی است و در خلال زمان، مدت مصرفش تمام نمی‌شود؛ مانند دروغگو و دروغگویی، در اینجا شخص دروغگو مصداق است اما دروغگویی مفهوم است. شخصی که مصداق دروغگو را حمل می‌کند، امروز هست و فردا نیست اما مفهوم دروغگویی همیشه هست و ادامه دارد و هر بار به شکلی قابل بحث و طرح است. همین طور مفهوم ریاکاری، اگر با مصداق همراه شود و بگوئیم فلانی ریاکار است، وقتی شخص دیگر در آن سمت

